**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری**

**جلسه163– 27 /01/ 1398 آیه 4 سوره طلاق /عده یائسه** **/کتاب العده**

خلاصه مباحث:

استاد گرامی به بررسی مراد از ﴿إِنِ ارْتَبْتُمْ﴾ در آیه شریفه 4 سوره طلاق می‌پردازند.

**کلام سید مرتضی**

صحبت در مورد مراد از آیه شریفه ﴿وَ اللاَّئی‏ یَئِسْنَ مِنَ الْمَحیضِ مِنْ نِسائِکُمْ إِنِ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلاثَةُ أَشْهُرٍ وَ اللاَّئی‏ لَمْ یَحِضْنَ﴾[[1]](#footnote-1) بود. مرحوم سید مرتضی معنایی را که مشهور خیلی قوی شیعه در مورد این آیه مطرح کرده‌اند نمی‌پذیرند. قسمتی از عبارت ایشان را در انتصار خواندیم. ایشان در ادامه می‌فرماید: و لیس یخلو قوله تعالی «إِنِ ارْتَبْتُمْ» من أن یرید به ما قال جمهور المفسرین و أهل العلم بالتأویل، من أنه تعالی أراد به إن کنتم مرتابین فی عدة هؤلاء النساء و غیر عالمین بمبلغها. خلاصه فرمایش ایشان این است که مگر در مورد احکام هیچ جایی این گونه ذکر می‌شود که اگر حکم مسئله را نمی‌دانستید حکمش این است، بنابراین ذکر ﴿إِنِ ارْتَبْتُمْ﴾ سرّی دارد. فقد رووا ما یقوی ذلک من أن سبب نزول هذه الآیة هو ما ذکرناه من فقد العلم، فروی مطرف عن عمرو بن سالم قال: قال:أبی بن کعب: یا رسول الله إن عددا من عدة النساء لم تذکر فی الکتاب: الصغار و الکبار و أولات الأحمال، فأنزل الله عز و جل «وَ اللّائِی یَئِسْنَ مِنَ الْمَحِیضِ» إلی قوله «وَ أُولاتُ الْأَحْمالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ یَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ»، فکان سبب نزول هذه الآیة الارتیاب الذی ذکرناه. در ادامه می‌فرماید که معنایی که اصحاب در مورد ارتیاب بیان کرده‌اند که شک در یائسه شدن یا نشدن است، درست نیست. چون و لا یجوز أن یکون الارتیاب بأنها آیسة أو غیر آیسة، مراد از ارتیاب در این آیه نمی‌تواند ارتیاب در یائسه بودن و غیر یائسه بودن باشد، لأنه تعالی قد قطع فی الآیة علی الیائس من المحیض، خداوند فرموده است یائسه و یائسه که مشکوک نیست، بقوله تعالی «وَ اللّائِی یَئِسْنَ مِنَ الْمَحِیضِ»، و المشکوک فی حالها و المرتاب فی أنها تحیض أو لا تحیض لا تکون آیسة، و از طرف دیگر و المرجع فی وقوع الحیض منها أو ارتفاعه إلیها. یک مرجِع داریم و یک مرجَع. مرجِع اسم مکان است و مرجَع مصدر میمی آن است. این جا باید مصدر میمی باشد که مرجَع است. اگر شک کردید باید به خود زن رجوع کنید. و هی المصدقة علی ما تخبر به فیه، فإذا أخبرت بأن حیضها قد ارتفع قطع علیه، و لا معنی للارتیاب مع ذلک. این دو نکته است. این نکته دوم در واقع مقدمه برای نکته سوم است.

نکته سومی که این جا مطرح می‌کنند این است که وقتی مرجَع به زن‌ها است و اگر مردان برای دانستن باید از زن‌ها سؤال کنند، در صورتی که زن‌ها اخبار کنند، آن اخبار حجت است و اگر زن‌ها ندانند تازه موضوع پیدا می‌کند. بنابراین اگر قرار بود که مراد از شک، شک در عده داشتن و عده نداشتن باشد، باید می‌فرمود ان ارتبن نه ان ارتبتم. معنای ان ارتبتم این است که ریبه به نکته دیگری مربوط است، نه بحث یائسه شدن و نشدن. و إذا کان الحیض المرجع فیه إلی النساء، و معرفة الرجال به مبنیة علی إخبار النساء، و کانت الریبة المذکورة فی الآیة منصرفة إلی الیأس من الحیض، فکان یجب أن یقول تعالی: إن ارتبتن أو إن ارتبن، لأنه حکم یرجع إلی النساء و یتعلق بهن، فهن المخاطبات به، فلما قال تعالی «إِنِ ارْتَبْتُمْ» فخاطب الرجال دون النساء، علم أن

المراد هو الارتیاب فی العدة و مبلغها.[[2]](#footnote-2)

**نکته‌های کلام سید**

بحث‌های دیگری نیز دارد که اکنون به آن‌ها کاری ندارم. در این عبارات سه نکته وجود دارد. نکته اول این است که آیه حکم کرده است در مورد یائسه و المشکوک فی حالها یا تکون آیسه. مطلبی شبیه این در تفسیر طبری و احکام القرآن جصاص وارد شده است، ولی با کلام ایشان فرق دارد. ابتدا یک مثال می‌زنم و بعد تطبیق می‌کنم. اگر گفتند الحیض المشکوک حکمه کذا، نباید بگویید اول گفتید حیض و حیض یعنی قطعی است و بعد کلمه مشکوک را به کار بردید و این تناقض صدر و ذیل است. زیرا باید کلام منعقد شود تا مشخص شود که موضوعی که اخذ شده است قطعی است یا خیر. می‌گوید الیائسة المشکوکة الیأس حکمه کذا. این که شما می‌گویید قد قطع بانها آیسه، به شرطی بود که کلمه مشکوک را اضافه نمی‌کرد. اگر کلمه مشکوک را آورد، معنایش این است که بحث در مورد یائسه مشکوک الیأس است. طبری به شکل دیگری تقریب را آورده است و آن نسبت به تقریبی که مرحوم سید ذکر کرده است، بیشتر قابل توجه است.

دیروز عرض کردم که مرحوم سید از طبری اخذ کرده است، بعد به ذهنم رسید که معلوم نیست مستقیم از طبری اخذ کرده باشد، چون مشابه مطالب طبری در احکام القرآن جصاص نیز وجود دارد و ممکن است کلام ایشان ناظر به احکام القرآن باشد. بعضی الفاظ خاص در عبارات بعدی سید هست که مشابه آن در احکام القرآن جصاص وارد شده است. عبارت احکام القرآن را می خوانم. البته پیداست که اصل آن عبارت طبری است. البته یک نکته که فی الجمله مؤیّد این است که از طبری گرفته باشد این است که طبری کلمه اهل التأویل را به کار می‌برد و ایشان هم عبارت جمهور المفسّرین و اهل العلم بالتأویل را به کار برده است. البته چه بسا هر دو را دیده باشد و مطالب این‌ها در ذهنش بوده است.

**کلام طبری**

عبارت طبری این است: اختلف أهل التأویل فی معنی قوله: إِنِ ارْتَبْتُمْ فقال بعضهم: معنی ذلک: إن ارتبتم بالدم الذی یظهر منها لکبرها، أ من الحیض هو، أم من الاستحاضة، زنی است که مسن است و خون می‌بیند و شک دارد که حیض است یا استحاضه و به خاطر سن زیادش این شک برایش حاصل شده است، فعدتهن ثلاثة أشهر. و قال آخرون: بل معنی ذلک: إن ارتبتم بحکمهن، اگر در مورد حکم زنان یائسه شک کرد،ید فلم تدروا ما الحکم فی عدتهن، فإن عدتهن ثلاثة أشهر. بعد روایت أبیّ ابن کعب را که مرحوم سید مرتضی به آن اشاره کرده است نقل می‌کند. و قال آخرون: معنی ذلک: إن ارتبتم مما یظهر منهن من الدم، فلم تدروا أ دم حیض، أم دم مستحاضة من کبر کان ذلک أو علة؟ این معنای سوم شبیه معنای اول است. معنای اول این بود که چون مسن است شک حاصل شده است که این دم حیض است یا استحاضه. معنای سوم مطلق شک

است. شک کرده است که این دم حیض است یا دم استحاضه، به دلیل اینکه کبر است یا به خاطر بیماری است یا هر چه می‌خواهد باشد و خصوصیات کبر را ذکر نکرده است. بعد کسانی را که قول سوم را ذکر کرده‌اند می‌آورد، سپس خودش قول دوم را ترجیح می‌دهد. این نکته را هم عرض کنم که این سه معنایی که ذکر شده است غیر از سه معنایی است که امامیه می‌گویند. امامیه می‌گویند اگر شک کردید که یائسه شده است و اصلاً مفروضش این نیست که دم دیده است. و أولی الأقوال فی ذلک بالصحة قول من قال: عنی بذلک: إن ارتبتم فلم تدروا ما الحکم فیهن الطلاق، و ذلک أن معنی ذلک لو کان کما قاله من قال: إن ارتبتم بدمائهن فلم تدروا أ دم حیض، أو استحاضة؟ لقیل: إن ارتبتن لأنهن إذا أشکل الدم علیهن فهن المرتابات بدماء أنفسهن لا غیرهن.[[3]](#footnote-3) شک‌کننده خود این زن‌ها هستند. ابتدائاً خود این زن شک می‌کند که این دم استحاضه است یا حیض. مرد هم اگر شک می‌کند به تبع شک زن است. در ادامه می‌گوید: و فی قوله: إِنِ ارْتَبْتُمْ و خطابه الرجال بذلک دون النساء الدلیل الواضح علی صحة ما قلنا من أن معناه: إن ارتبتم أیها الرجال بالحکم فیهن. این دلیل سومی است که مرحوم سید آورده و به آن بال و پر داده‌اند.

به این مطلب در تفسیر ماتریدی نیز اشاره شده است: و قوله- عزّ و جل-: إِنِ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلاثَةُ أَشْهُرٍ. اختلفوا فی قوله: إِنِ ارْتَبْتُمْ: أنه أرید به: إن ارتبتم فی حیضهن أو فی عدتهن؟ و عندنا الارتیاب فی عدتهن؛ لأنه لو کان المراد منه الارتیاب فی حیضهن، لکان من حق الکلام أن یقول: «إن ارتبتن» أو یقول: «و اللائی ارتبن» لیکون منسوقا علی قوله: وَ اللَّائِی یَئِسْنَ آن جا را یئسن گفت و این هم باید ارتبن باشد، فلما قال: ارْتَبْتُمْ ثبت أن المراد: إن ارتبتم فی عدة الآیسات و الصغائر، فهی ثلاثة أشهر، و الله أعلم.[[4]](#footnote-4)

طبری در ادامه طبری همان استدلال دیگر را ولی تفاوت با محتوای استدلال مرحوم سید ذکر کرده است. و أخری و هو أنه جل ثناؤه قال: وَ اللَّائِی یَئِسْنَ مِنَ الْمَحِیضِ مِنْ نِسائِکُمْ إِنِ ارْتَبْتُمْ و الیائسة من المحیض هی التی لا ترجو محیضا للکبر، و محال أن یقال: و اللائی یئسن، ثم یقال: ارتبتم بیأسهن، لأن الیأس: هو انقطاع

الرجاء و المرتاب بیأسها مرجو لها، و غیر جائز ارتفاع الرجاء و وجوده فی وقت واحد. می‌گوید این‌ها دو وصف نقیض هستند. یئسن یعنی امید ندارند، ارتبتم یعنی شک دارید و شک یعنی امید دارد. بنابراین این دو با هم قابل جمع نیستند. یأس و رجا ضدین هستند و با هم قابل جمع نیستند.[[5]](#footnote-5)

مرحوم شیخ طوسی عبارتی در خلاف دارد که تصور می‌کنم در مقام جواب این اشکال است. مرحوم محقق اردبیلی نیز عبارتی در زبده البیان دارد که روشن است که این اشکال را دارد پاسخ می‌دهد. ایشان می‌فرماید که یأس ظاهری مراد است. می‌فرماید که به حسب ظاهر یأس حاصل شده است، ولی نمی‌دانیم آیا واقعاً یأس است یا واقعاً یأس نیست. ایشان می‌فرماید که یأس ظاهری کافی نیست و باید دلیل قطعی شرعی برایش حاصل شده باشد. بنابراین امارات بر این که یائسه شده است کافی نیست. اگر چه به حسب ظاهر هم یائسه شده باشد کافی نیست. ممکن است بگویید چرا یئسن را به معنای یأس ظاهری می‌گیرید. این نیاز به قرینه دارد.

قبل از این که وارد پاسخ به این مطلب شوم، ابتدا یک نکته را عرض می‌کنم و بعد هم فرمایش مرحوم شیخ در خلاف را نقل می‌کنم و هم بحث را مقداری باز می‌کنم. کلمات ارتیاب، شک و علم متعلَّق می‌خواهند. باید ذکر شود که مشکوک چیست. یا حقیقتاً باید ذکر شود یا باید مقدَّر باشد. گاهی در تقدیر بودن به خاطر این است که خودش قبلاً ذکر شده است یا چیزی که اشاره به مقدّر است باید در کلام ذکر شده باشد. اصلاً در این آیه دم حیض و استحاضه ذکر نشده است که بخواهیم ضمیر ان ارتبتم را به دم حیض و استحاضه برگردانیم. پس احتمالی که سنی‌ها ذکر کرده‌اند که ان ارتبتم یعنی ان شککتم فی کون الدم الخارج حیض أم استحاضه، صحیح نیست، چون در آیه دم حیض و استحاضه نیامده است تا به آن بازگشت کند. در مورد معنای دوم که ان ارتبتم یعنی اگر حکم مسئله را نمی‌دانستید و گویا شأن نزولی بوده است و به قرینه شأن نزول این تکه حذف شده است، باید گفت که خیلی مؤونه زائده می‌برد که اثبات کنیم شأن نزول بوده است. چون مطلبی نیست که سند زیادی داشته باشد و یک روایت از ابی بن کعب نقل شده است و نقل متعدد هم ندارد.

طبیعی قضیه این است که متعلَّق ان ارتبتم همان یائسه باشد یا چیزی که به آن یائسه مرتبط باشد. همین معنا ممکن است موجّه کلام مرحوم محقق اردبیلی باشد. ایشان می‌فرماید که اگر به حسب ظاهر یأس پیدا کردید و شک داشتید که این یأس حقیقی است یا نیست، یعنی جمع بین این که ظاهر کلام این است که متعلّق ارتبتم همان یأس است و از طرف دیگر یأس و رجا با هم جمع نمی‌شوند، این است که آن یأس را باید یأس ظاهری معنا کنیم و ارتبتم را ارتبتم واقعی معنا کنیم. ممکن است این پاسخ اشکال بدوی‌ای باشد که در مورد کلام مرحوم محقق اردبیلی مطرح کردم.

ممکن است مطلب دیگری را مطرح کنیم که یک یأس شخصی داریم به خاطر خصوصیات فردی و یک یأس نوعی داریم. فرض کنید رحم زنی را برداشته باشند یا بیماری‌ای پیدا کرده باشد که دیگر حیض نمی‌بیند. این زن شخصاً یائسه شده است، ولی یائسه بودن رحم نوعیه نیست. یعنی به اعتبار این که شخص این خانم وضعیتی پیدا کرده است که از حیض دیدن یأس پیدا کرده است. یأس نوعی یعنی زن در سنی باشد که در این سن دیگر حیض دیده نمی‌شود. شرع مقدس این سن را پنجاه یا شصت سال تعیین کرده است، علی اختلاف الاقوال در مسئله یا اختلاف الموارد. بنابراین اگر چنین باشد، معنای آیه این می‌شود که اگر زنی از

حیض دیدن یأس پیدا کرده است، یعنی خون نمی‌بیند و سنش را که واقعاً به پنجاه سال رسیده است یا نه، یعنی یأس او به خاطر رسیدن به سن یأس نوعیه است یا به خاطر رسیدن به سن یأس نوعیه نیست. آن یأس شخصی می‌تواند قرینه باشد که این ارتیاب مربوط به یأس نوعیه است. اشکالی ندارد که متعلّق این ارتیاب یأس نوعیه باشد. اختلاف مخاطب ان ارتبتم و یئسن به خاطر این است که این ارتیاب یأس نوعیه را می‌خواهد بیان کند و آن یأس، یأس شخص زن است، یعنی خود زن خون ندیده است، ولی نمی‌دانیم که واقعاً این زن به سن یأس رسیده است یا خیر.

به خصوص به این نکته توجه کنید که هنوز هم خیلی از زن‌ها سن خود را نمی‌دانند، چه برسد به آن زمان. این غیر از این است که می‌دانند و می‌خواهند انکار کند. خیلی وقت‌ها زن‌ها سن دقیق خود را نمی‌دانسته‌اند. سواد داشتن در زن‌ها خیلی کم بوده است و آن هم نسبت به تاریخ. مردها هم خیلی وقت‌ها تاریخ را نمی‌دانسته‌اند. این همه اختلاف در تاریخ وفات پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که چهار قول معروف وجود داشته است: 28 صفر، 1 ربیع، 2 ربیع و 12 ربیع و هر چهار قول هم از قدما الی ما شاء الله قائل دارد، با آن اهمیتی که در مورد ایشان وجود داشته است، نشان می‌دهد که ندانستن سن در مورد زن‌ها خیلی طبیعی است و خیلی وقت‌ها این جور مسائل برایشان پیش می‌آمده است. طبیعتاً در این جور مسائل این که قول مرد محکَّم باشد که زن چند سال دارد خیلی طبیعی است.

بنابراین معنای این آیه می‌تواند این باشد که اگر زن مدتی است که خون نمی‌بیند -بر خلاف معنایی که گفته بودند خون می‌بیند و نمی‌داند حیض است یا استحاضه- و از این که خون ببیند مأیوس شده است ولی نمی‌داند که این خون ندیدن به خاطر بیماری و علت خاصی است یا یائسه شده است، یعنی شک دارد که به سن من لا تحیض رسیده است، عده‌اش سه ماه است. یعنی تا وقتی که یقین نکند که یائسه است باید استصحاب عدم یأس جاری کند.

**کلام مرحوم شیخ**

مرحوم شیخ در خلاف می‌فرماید: الأظهر من روایات أصحابنا، أن التی لم تحض و مثلها لا تحیض، و الآئسة من المحیض و مثلها لا تحیض، لا عدة علیها من طلاق، و ان کانت مدخولا بها. و خالف جمیع الفقهاء فی ذلک، و قالوا: یجب علیهما العدة بالشهور. و به قال قوم من أصحابنا. دلیلنا: روایات أصحابنا و أخبارهم، و قد ذکرناها. و أیضا قوله تعالی «وَ اللّائِی یَئِسْنَ مِنَ الْمَحِیضِ مِنْ نِسائِکُمْ إِنِ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلاثَةُ أَشْهُرٍ» فشرط فی إیجاب العدة ثلاثة أشهر إن ارتابت، و الریبة لا تکون إلا فیمن تحیض مثلها، و أما من لا تحیض مثلها فلا ریبة علیها.[[6]](#footnote-6)

از مجموع این عبارت‌ها این گونه می‌فهمم که ایشان می‌خواهد بفرماید که یک یائسه شخصیه داریم، یعنی زنی که خودش مأیوس است ولی نسبت به این که آیا واقعاً به سن یأس رسیده است یا خیر، ارتیاب دارد. اگر ثابت شد که به سن یأس رسیده است، ریبه از بین می‌رود، چون شرعاً حکم به یائسه بودن این شخص شده است. شرع خونی را که بعد از پنجاه سال یا بعد از شصت سال است حیض حساب نمی‌کند. این بحث را که چه خونی حیض است و چه خونی حیض نیست، باید شرع تعیین کند. بنابراین شک در جایی معنا دارد که

یائسه بودن زن مسلّم نشده باشد و الا اگر مسلّم شده باشد، شک مطرح نیست.[[7]](#footnote-7)

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد

1. سوره طلاق، آيه 4. وَ اللاَّئي‏ يَئِسْنَ مِنَ الْمَحيضِ مِنْ نِسائِكُمْ إِنِ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلاثَةُ أَشْهُرٍ وَ اللاَّئي‏ لَمْ يَحِضْنَ وَ أُولاتُ الْأَحْمالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْراً. [↑](#footnote-ref-1)
2. الانتصار في انفرادات الإمامية، سید مرتضى، ص335. و ليس يخلو قوله تعالى «إِنِ ارْتَبْتُمْ» من أن يريد به ما قال جمهور المفسرين و أهل العلم بالتأويل، من أنه تعالى أراد به إن كنتم مرتابين في عدة هؤلاء النساء و غير عالمين بمبلغها، فقد رووا ما يقوي ذلك من أن سبب نزول هذه الآية هو ما ذكرناه من فقد العلم، فروى مطرف عن عمرو بن سالم قال: قال:أبي بن كعب: يا رسول الله إن عددا من عدة النساء لم تذكر في الكتاب: الصغار و الكبار و أولات الأحمال، فأنزل الله عز و جل «وَ اللّائِي يَئِسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ» إلى قوله «وَ أُولاتُ الْأَحْمالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ»، فكان سبب نزول هذه الآية الارتياب الذي ذكرناه.و لا يجوز أن يكون الارتياب بأنها آيسة أو غير آيسة، لأنه تعالى قد قطع في الآية على اليائس من المحيض بقوله تعالى «وَ اللّائِي يَئِسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ»، و المشكوك في حالها و المرتاب في أنها تحيض أو لا تحيض لا تكون آيسة، و المرجع في وقوع الحيض منها أو ارتفاعه إليها و هي المصدقة على ما تخبر به فيه، فإذا أخبرت بأن حيضها قد ارتفع قطع عليه، و لا معنى للارتياب مع ذلك. و إذا كان الحيض المرجع فيه إلى النساء، و معرفة الرجال به مبنية على إخبار النساء، و كانت الريبة المذكورة في الآية منصرفة إلى اليأس من الحيض، فكان يجب أن يقول تعالى: إن ارتبتن أو إن ارتبن، لأنه حكم يرجع إلى النساء و يتعلق بهن، فهن المخاطبات به، فلما قال تعالى «إِنِ ارْتَبْتُمْ» فخاطب الرجال دون النساء، علم أن المراد هو الارتياب في العدة و مبلغها. [↑](#footnote-ref-2)
3. جامع البیان فی تفسیر القرآن، محمد بن جریر طبری، ج28، ص91. القول في تأويل قوله تعالى: وَ اللَّائِي يَئِسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسائِكُمْ ... أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْراً يقول تعالى ذكره: و النساء اللاتي قد ارتفع طمعهن عن المحيض، فلا يرجون أن يحضن من نسائكم إن ارتبتم الطلاق. و اختلف أهل التأويل في معنى قوله: إِنِ ارْتَبْتُمْ فقال بعضهم: معنى ذلك: إن ارتبتم بالدم الذي يظهر منها لكبرها، أ من الحيض هو، أم من الاستحاضة، فعدتهن ثلاثة أشهر الطلاق. ذكر من قال ذكر: حدثني محمد بن عمرو، قال: ثنا أبو عاصم، قال: ثنا عيسى؛ و حدثني الحرث، قال: ثنا الحسن، قال: ثنا ورقاء، جميعا عن ابن أبي نجيح، عن مجاهد، قوله: إِنِ ارْتَبْتُمْ إن لم تعلموا التي قعدت عن الحيضة، و التي لم تحض، فعدتهن ثلاثة أشهر الطلاق... و قال آخرون: بل معنى ذلك: إن ارتبتم بحكمهن فلم تدروا ما الحكم في عدتهن، فإن عدتهن ثلاثة أشهر الطلاق. ذكر من قال ذلك: حدثنا أبو كريب و أبو السائب، قالا: ثنا ابن إدريس، قال: أخبرنا مطرف، عن عمرو بن سالم، قال: قال أبي بن كعب: يا رسول الله إن عددا من عدد النساء لم تذكر في الكتاب الصغار و الكبار، و أولات الأحمال الطلاق، فأنزل الله: وَ اللَّائِي يَئِسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسائِكُمْ إِنِ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلاثَةُ أَشْهُرٍ وَ اللَّائِي لَمْ يَحِضْنَ وَ أُولاتُ الْأَحْمالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ. و قال آخرون: معنى ذلك: إن ارتبتم مما يظهر منهن من الدم، فلم تدروا أ دم حيض، أم دم مستحاضة من كبر كان ذلك أو علة؟ الطلاق ذكر من قال ذلك: حدثنا ابن بشار، قال: ثنا عبد الأعلى، قال: ثنا سعيد، عن قتادة، عن عكرمة، قال: إن من الريبة: المرأة المستحاضة، و التي لا يستقيم لها الحيض، تحيض في الشهر مرارا، و في الأشهر مرة، فعدتها ثلاثة أشهر، الطلاق و هو قول قتادة. و أولى الأقوال في ذلك بالصحة قول من قال: عني بذلك: إن ارتبتم فلم تدروا ما الحكم فيهن الطلاق، و ذلك أن معنى ذلك لو كان كما قاله من قال: إن ارتبتم بدمائهن فلم تدروا أ دم حيض، أو استحاضة؟ لقيل: إن ارتبتن لأنهن إذا أشكل الدم عليهن فهن المرتابات بدماء أنفسهن لا غيرهن، و في قوله: إِنِ ارْتَبْتُمْ و خطابه الرجال بذلك دون النساء الدليل الواضح على صحة ما قلنا من أن معناه: إن ارتبتم أيها الرجال بالحكم فيهن؛ و أخرى و هو أنه جل ثناؤه قال: وَ اللَّائِي يَئِسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسائِكُمْ إِنِ ارْتَبْتُمْ و اليائسة من المحيض هي التي لا ترجو محيضا للكبر، و محال أن يقال: و اللائي يئسن، ثم يقال: ارتبتم بيأسهن، لأن اليأس: هو انقطاع الرجاء و المرتاب بيأسها مرجو لها، و غير جائز ارتفاع الرجاء و وجوده في وقت واحد، فإذا كان الصواب من القول في ذلك ما قلنا، بين أن تأويل الآية: و اللائي يئسن من المحيض من نسائكم إن ارتبتم بالحكم فيهن، و في عددهن، فلم تدروا ما هن، فإن حكم عددهن إذا طلقن، و هن ممن دخل بهن أزواجهن، فعدتهن ثلاثة أشهر وَ اللَّائِي لَمْ يَحِضْنَ يقول: و كذلك عدد اللائي لم يحضن من الجواري لصغر إذا طلقهن أزواجهن بعد الدخول‏. [↑](#footnote-ref-3)
4. تأویلات اهل السنة، محمد بن محمد ماتریدی، ج10، ص59. و قوله- عزّ و جل-: إِنِ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلاثَةُ أَشْهُرٍ. اختلفوا في قوله: إِنِ ارْتَبْتُمْ: أنه أريد به: إن ارتبتم في حيضهن أو في عدتهن؟ و عندنا الارتياب في عدتهن؛ لأنه لو كان المراد منه الارتياب في حيضهن، لكان من حق الكلام أن يقول: «إن ارتبتن» أو يقول: «و اللائي ارتبن» ليكون منسوقا على قوله: وَ اللَّائِي يَئِسْنَ فلما قال: ارْتَبْتُمْ ثبت أن المراد: إن ارتبتم في عدة الآيسات و الصغائر، فهي ثلاثة أشهر، و الله أعلم. [↑](#footnote-ref-4)
5. پاسخ سؤال: اگر یأس پیدا کردند، در صرتی که اخبار بدهند حجت است. ارتیاب مردها به تبع ارتیاب زن‌ها است. اگر زن‌ها ارتیاب ندارند قطعاً مردها هم ارتیاب نخواهند داشت. [↑](#footnote-ref-5)
6. الخلاف، شیخ طوسی، ج5، ص53. الأظهر من روايات أصحابنا، أن التي لم تحض و مثلها لا تحيض، و الآئسة من المحيض و مثلها لا تحيض، لا عدة عليها من طلاق، و ان كانت مدخولا بها. و خالف جميع الفقهاء في ذلك، و قالوا: يجب عليهما العدة بالشهور. و به قال قوم من أصحابنا. دليلنا: روايات أصحابنا و أخبارهم، و قد ذكرناها.و أيضا قوله تعالى «وَ اللّائِي يَئِسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسائِكُمْ إِنِ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلاثَةُ أَشْهُرٍ» فشرط في إيجاب العدة ثلاثة أشهر إن ارتابت، و الريبة لا تكون إلا فيمن تحيض مثلها، و أما من لا تحيض مثلها فلا ريبة عليها. [↑](#footnote-ref-6)
7. پاسخ سؤال: تحیض مثلها، یعنی مثل زن‌ها، یعنی پنجاه سال و شصت سال. بحث تحیض مثلها و عدم تحیض مثلها را برای این آورده است که اشاره کند که ما دو جور یأس داریم، یک یأس شخصی و یک یأس نوعی. شارع مقدس برای یأس نوعی محدوده تعیین کرده و فرموده است که از پنجاه سال که گذشت دیگر یأس وجود ندارد. یعنی به طور طبیعی زن‌ها قبل از پنجاه سال حیض می‌بینند. این که این جور تعبیر کرده‌اند و پنجاه سال و شصت سال نیاورده‌اند برای این است که می‌خواهند آیه قرآن را معنا کنند که متعلق ارتیاب یأس نوعیه است. چون باید متعلّق ارتیاب به نحوی در آیه ذکر شده باشد، گر چه ما یشبه المتعلّق باید ذکر شده باشد. یأسی که قبلاً ذکر شده است یأس شخصی است و یأس شخصی می‌تواند قرینه برای تقدیر گرفتن یأس نوعیه باشد. گاهی زن یأس دارد، ولی مشخص است که به سن معین نرسیده است. فرض کنید خانمی که رحمش را برداشته‌اند، مأیوس است، ولی بیست ساله است. شرطش این است که هر دو باشد. [↑](#footnote-ref-7)